

## واژه‌های قرضی

بررسی زبانی-اجتماعی در سه شهر اهواز و آبادان و مسجدسلیمان

سیما ذوالفقاری

واژه‌هایی که در این مقاله فهرست شده‌اند حاصل تحقیقی است که حدود سال ۱۳۷۳، در سه شهر اهواز، آبادان و مسجدسلیمان، انجام گرفت. هدف از این تحقیق گردآوری وام‌واژه‌های انگلیسی موجود در گویش‌های این سه شهر بود.

از حدود نود سال پیش، هم‌زمان با اکتشاف نفت در منطقه بختیاری و استان خوزستان و تأسیس شرکت نفت ایران و انگلیس، پدیده قرض‌گیری واژگانی بسیار گسترده و عمیقی در مناطق یاد شده شکل گرفت. به طوری که بسیاری از این واژه‌ها هنوز هم در مکالمات روزمره و عادی مردم کاربرد اساسی دارند.

برای گردآوری این واژه‌ها، علاوه بر تکیه بر محفوظات خود، در طی چهار ماه، دوبار به شهرهای نام‌برده سفر کردم. یافتن منبع<sup>۱</sup> برای این تحقیق چندان کار مشکلی نبود، چون تقریباً تمام گروه‌های سنی زن و مرد ساکن در شهرهای مورد تحقیق این واژه‌ها را در گفتگوهای روزانه خود به کار می‌برند و، به عبارتی، واژه‌ها نسل به نسل منتقل شده‌اند، به طوری که افراد جوان‌تر اغلب حتی از قرضی بودن یا انگلیسی بودن اصل واژه بی‌اطلاع‌اند. آنان، در مواردی، گمان می‌کردند که واژه بختیاری یا محلی است. در تهیه این فهرست، سعی شده است که حتی‌الامکان واژه‌هایی آورده شوند که

---

1) informant

بالاخص در این مناطق کاربرد دارند. آن واژه‌های قرضی که به طور عام وارد زبان فارسی شده‌اند، از قبیل تلفن، رادیو، تایر، پلیس، آمبولانس مدنظر نبوده‌اند. واژه‌های فهرست‌شده دارای فراوانی کاربرد یکسان نیستند. در متن اصلی تحقیق، سعی شده است که، با مثال‌هایی دقیق، بافت و زمینه کاربرد و گاه حتی زمان و دوران کاربرد آنها مشخص گردد. اما، در این جا، برای پیش‌گیری از زیاد شدن حجم کار، مثال‌ها حذف شده‌اند.

این فهرست را می‌توان در حکم مادهٔ اولیه برای تحقیقات متعدد بعدی به کار برد. برلی مثال، در این جا واژه‌ها تنها دارای ترتیب الفبایی هستند، در حالی که می‌توان آنها را بر حسب حوزه‌های معنایی و کاربردی (ابزار کار، اصطلاحات اداری، وسایل زندگی) دسته‌بندی کرد و از این طریق نشان داد که تماس‌ها در کدام حوزه‌ها بیشتر بوده است.

با کمی دقت مشاهده می‌شود که در بعضی از این واژه‌ها تغییرات معنایی صورت گرفته است (مانند *fenešt* محرف *finished* به معنی «اخراج»). بررسی تغییرات معنایی از این دست هم وجه جالب توجهی برای تحقیقات بعدی است.

از سوی دیگر، چنانچه انتظار می‌رود، در طی این روند قرض‌گیری، تلفظ تقریباً تمامی واژه‌ها دستخوش تغییر شده است. بررسی این تغییرات تلفظی و ارائه قواعد حاکم بر آنها نیز کار جالب دیگری است که با این مواد می‌توان انجام داد. این کار، به ویژه در مواردی که تغییرات قابل ملاحظه است، مانند اسپکتور، انگلان، بَمبو، دریول، رستوزو، جالب‌تر به نظر می‌رسد.

به دنبال فهرست اصلی، دو فهرست دیگر نیز آورده شده است. اولی، فهرست افعال مرکبی است که از ترکیب واژه‌های قرضی انگلیسی با افعال مرکب‌ساز (کردن، شدن، زدن) ساخته شده‌اند و کاربرد بسیار دارند. فهرست دوم در بردارنده اسامی شماری از محله‌های سه شهر نام برده است. این محله‌ها نسبتاً قدیمی‌اند و، تقریباً هم‌زمان با شکل‌گیری شرکت نفت و گسترش تأسیسات آن، به وجود آمده‌اند. همان‌طور که انتظار می‌رود، چون مسجدسلیمان از دو شهر دیگر قدیمی‌تر است و اساساً با تأسیس شرکت نفت در آن جا شکل گرفت، دارای محله‌های بیشتری با اسامی انگلیسی است.

اصیل انگلیسی	معنی کاربردی	تلفظ با تکیه فارسی	واژه
allocate car	اتومبیل اداری	/ælokeytkar/	آلوکیٔت کار
M.I.S	مسجد سلیمان	/emayes/	ام تی اس
m.p.	مأمور شرکت نفت برای کنترل اتومبیل‌های شرکت	/empi/	ام پی
emergency	اضطراری	/emerjensi/	ایمرچنسی
احتمالاً یک مارک تجاری که از international گرفته شده	ماشین‌های بزرگ ۱۸ چرخ	/æntærnaʃ/	آنترناش
angle iron N.I.O.C.	(آهن) نبشی شرکت ملی نفت ایران	/ængelan/ /enayosi/	انگیلان ان آی اوسی
out	صفت به معنای کسی که تو باغ نیست.	/ot/	ات
overtime	اضافه کاری	/overtaym/ /overtaym/	اُورِتِیم
inquiry boyroom	اطلاعات (۱۱۸) اتاق خدمتکار در منازل شرکت نفت	/inkuvevri/ /bayrum/ or /boyrum/	اینکوویری بایروم یا بویروم
by chance	اتفاقی، بدون قرار قبلی	/bayʃans/	بای شانس
bus	سرویس اتوبوس شرکت نفت	/bæs/ or /bæst/	بس یا بست
back pay	اضافه حقوقی که بعداً پرداخت می‌شود	/bækpey/	بک پی
bluff	لاف زدن	/bolof/	بُلُف
black list	لیست سیاه (در شرکت، که معمولاً منجر به اخراج می‌شد)	/belæklist/	بَلِک لیست
pump	تلمبه آب؛ نام محل آب	/bæmbæw/ or /pæmpæw/	بَمِیو یا پَمِیو
bent	کج، خمیده	/bent/	بَنت
bungalow	ساختمان درجه یک مسکونی	/bængele/	بَنگِلِه

اصیل انگلیسی	معنی کاربردی	تلفظ با تکیه فارسی	واژه
off	بی کاری، تعطیلی	/af/	آف
office	اداره	/hæfi:z/	آفیس / حَفِیض
office boy	پادو	/afisboy/	آفیس بوی
on call	حاضر به خدمت	/ankal/	آن کال
identity card	کارت شناسایی	/aydentiti kart/	آی دنتیتی کارت
air conditioner	سردکننده و تهریه کننده هوا	/erkandiʃen/	یرکاندیشین
Inspector	بازرس، کنترل کننده کارت و بلیط اتوبوس	/espeæktor/	اِسپِکتور
start	شروع (فعل: شروع کردن)	/estart/	اِسْتارت
staff store	فروشگاه کارمندی	/estæfæstor/	اِسْتَف اِسْتور
stamp	مهر	/estæmp/	اِسْتَمپ
stand by	آماده به کار	/estændbay/	اِسْتندبای
store	فروشگاه	/estor/ or /ostor/	اِسْتور
statement	صورت حساب حقوق	/esteytment/	اِسْتِیت مِنت
station	ایستگاه؛ نام محل	/esteyʃen/	اِسْتِیْشن
scrape	سنباده کشیدن یا وسیله ای برای این کار	/eskerab/ or /skeraf/	اِسکراپ یا اِسکراف
S.Q	خانه در اجاره شرکت نفت	/eskiyu/	اِس کیو
square spaner	آچار	/eskurespane/	اِسکور اسپانه
exchange	اطلاعات تلفن تلفن خانه	/eksčenj/	اِکسچنج
allowance	فوق العاده	/ælovans/ or /ælovæns/	اُلوانس

اصیل انگلیسی	معنی کاربردی	تلفظ با تکیه فارسی	واژه
trip	دفعه، مرتبه، بار	/tenki/	تِنکی
training	آموزش؛ دوره آموزشی	/tirip/	تیرِپ
tomato	گوجه‌فرنگی	/terejni η	تِرِئِنینگ
		/təmate/ or /temate/	تَماتِه یا تِماتِه
timbre	تمبر نامه	/təmbæt/	تَمبِر
transport	انتقال	/tenəsport/	تِنسپورت
tennis boy	توپ جمع‌کن زمین تنیس	/tenisboy/	تِنیس بوی
taxi	تاکسی	/teysi/	تِیسی
tail/tile	تیر چراغ‌برق	/teyl/	تِیل
time	وقت، زمان	/teym/	تِیم
baloon	فروگاه	/jabalon/	جابالون
geologist	زمین‌شناس	/jalejis/	جالجیس
Gitype	نام محله‌ای در مسجد سلیمان، یک نوع از خانه‌های سازمانی شرکت نفت	/jiteyp/	جی تیپ
Charter	هواپیماهای کوچک مخصوص شرکت نفت	/carter/	چارتر
Checker	عضوی از شرکت نفت که در مرز بین کارمند و کارگر قرار دارد	/ceker/	چِکِر
checkman	کنترل‌کننده نهایی	/cekman/	چِکَمَن
cheat(?)	کاغذ حقوقی (statement)	/citi/	چیتی
dodge ball	بازی وسطی	/dažbal/	داژبال
W.C.	دست‌شویی	/dəbelusi/	دَبِلوسِی
driver	راننده	/dereyvel or /deræyvel/	دِرِیوِل یا دِرِیوِل
drum	بشکه	/doram/	دُرَام

اصیل انگلیسی	معنی کاربردی	تلفظ با تکیه فارسی	واژه
bush	خلاص (دنده اتومبیل)	/boš/	بوش
bush	دنده خلاص‌زدن	/buš/	بوش کردن
to book	ذخیره کردن، ثبت نام (معمولاً برای استفاده از وسایل نقلیه شرکت نفت)	/buk/	بوک
booking	اسم‌نویسی، ذخیره کردن	/buking/	بوکینگ
bolt	پیچ و مهره	/bolt/	بُلِت
base	پایه حقوقی	/beys/	بِیس
boiler	میله خمیده وسط چراغ‌گازی؛ شغل	/beylar/	بِیلِر
boiler suit	لباس کار	/beylarsut/	بِیلِر سوت
beam	تیر آهن	/bim/	بیم
part time	نیمه وقت، پاره وقت	/parteym/ or partaym	پارت تیم یا پارتایم
petrol	بنزین	/petrol/	پِتوِل
personnel	کارکنان	/persenel/	پِر سِنِل
plug	دوشاخه	/pelag/ or /pelak/	پِلاگ یا پِلاک
plate	ورقه فلز	/peleyt/	پِلِیت
plane	هواپیما	/pelæyn/	پِلَین
pumphouse	تلمبه‌خانه	/pæmphaws/	پُمپ هَوس
pump	تلمبه	/pomp/ . ا. م. /pæmp/	پُمپ
potato	سیب زمینی	/potate/	پوتانه
pay roll	فهرست پرداخت حقوق	/pey rol/	پِی رُل
pistol	یک نوع اسلحه	/pišto/ or /pištaw/	پِیشتو
pickup	یک نوع سواری وانت	/pikab/	پِیکاب
pin	سوزن ته‌گرد	/pim/	پیم
tank	مخزن آب	/tanki/ or	تانکی یا

واژه	تلفظ با تکیه فارسی	معنی کاربردی	اصل انگلیسی
سِلینج	/selenj/	فعل: شل شدن ، هرز شدن نوعی جرتقیل یا جرتقیل به‌طور عام	?
سیلوتیپ	/seloteyp/	نوارچسب مشکی مخصوص کارهای فنی	sealing tape solo tape
سِلنْدِر / سِلنْدِر	/selender/ or /selend/	سیلندر گاز	cylinder
سَمَنَت	/sæmənt/	سیمان	cement
سِستِر استور	/senterestor/	فروشگاه مرکزی شرکت نفت	center store
سِستِر بولت	/senterbolt/	یک قسمت از اتومبیل	center bolt
سیلو	/silu/	انبارگندم یا سایر غلات	silos
سویچ یا سویچ	/suwič/ or /siwič/	کلید ماشین، کلید روشن‌کننده یک وسیله	switch
سینیور یا سینیئر	/siniyor/ or /siniyer/	کارمند عالی‌رتبه شرکت نفت	senior
سیوینگ	/seyving/	پس‌انداز	saving
شارت و شارتی	/šart/ /šarti/	اتصال برق	short (shortage)
شیت	/šit/	دسته کاغذ	sheet
شیت	/šit/	سوت کارخانه	shoot shout
شیفت	/šift/	نوبت کار صفت: شیفتی	shift
شیفت‌اسفانه	/šift esfane/	یک نوع آچار (آچارفرانسه)	shift spanner
شوتی یا شوت کردن	/šut/	اصطلاحاتی که در عملیات زمین‌شناسی و اکتشاف نفت به‌کار می‌روند	shoot
فاراستیشین	/faresteyšen/	آتش‌نشانی؛ نام محله	fire station
فرست‌کلاس یا (م) فست‌گلاس	/ferstkelas/ or /fæstgelas/	درجه یک	first class

واژه	تلفظ با تکیه فارسی	معنی کاربردی	اصل انگلیسی
دِرِس کردن	/deres kærdæn/	شیک کردن لباس نوپوشیدن	to dress
دُیْدِر	/doydor/	دکتر، پزشک	doctor
دِیْس	/deys/	حدیده، ابزار برای ایجاد شیار روی لوله	die
دیوتی	/diyuti/	مأموریتی	duty
رِاْپَرْت	/raport/	گزارش فرانسه: rapport	report
رام‌سید	/ramseyd/	حرکت خلاف در خیابان یک‌طرفه	wrong side
ریل	/rebel/	کفش کتانی یا ورزشی مارک تجاری	rubber (?)
رِزرویشین	/rezerveyšēn/	رزرواسیون، ذخیره	reservation
رِست	/rest/	استراحت	rest
رِستوْز	/restowz/	استراحتگاه شرکت نفت یا مهمان‌سرای کارمندان جزء یا کارگران	rest house
رَژین	/ræšæn/ or /ræšænd/	جیره آذوقه که بیشتر به کارگران شرکت به‌صورت ماهانه داده می‌شد	ration
رَژِنْدِپول	ræšændpul	مکانی در مسجد سلیمان که در ابتدا محل دادن رَژین به کارگران بوده	ration pool
رُل	/rol/	فرمان اتومبیل	role
رَن	/ræn/	فرم کامپیوتری حقوق و مشخصات کارکنان	ram
ساکِت	/saket/	پرِیز	socket
سِپَر تاس	/sepertas/	ظرف غذای سفر	supper tass
سِکِل	/sekel/	دوچرخه	cycle, bicycle
سِلاک	/selak/	شُل، هرز شده	slack

اصیل انگلیسی	معنی کاربردی	تلفظ با تکیه فارسی	واژه
club	باشگاه	/kolup/ or /keləp/	کُلوپ یا کَلپ
camp	اردوگاه	/kəmp/	کَمپ
company	شرکت، مرکز	/kompani/	کُمپانی
complete	به‌تمامی، کلاً	/compelet/	کُمپِلت
camp+lab	نام‌محله و دراصل اردوگاهی که در آن آزمایشگاه زمین‌شناسی است	/kæmeləb/	کَمَلَب
contract	قرارداد صفت: قراردادی	/konterat/ or /qomterat/	کُنْتِرَات یا قُمْتِرَات
quarter	محله‌های شرکت نفتی و نیز منازل کارگری	/kuwarter/ or /kuater/	کُوآرتِر یا کُوآتِر
(از هندی)	کارگر خلی جزه	/kuli/	کولی
get pass	برگ اجازة خروج	/getpas/	گِت‌پاس
plant+گچ	کارخانه گچ	/gæçpelənd/	گَچ‌پَلَنَد
gate	دروازه، ورودی	/geyt/	گِیْت
gas	گاز	/geys/	گِیْس
glass	لیوان	/gilas/	گِیلاس
garage	گاراژ	/gerač/ or /garaž/	گِراچ یا گاراچ
grade	رتبه کاری، گروه	/gereyd/	گِرِیْد
guest house	مهمان‌سرای شرکت برای کارمندان عالی‌رتبه	/gestows/	گِستُوْز
globe lamp	لامپ چراغ	/gulup/	گولوپ
lorry	کامیون، بارکش	/lari/	لاری
landry	لباس‌شویی	/landeri/	لاندری
labor office	کارگزینی کارگری	/leber'afis/	لِبرآفیس
labor lorry	ماشین‌کارگری. ماشینی که کارگرها را به سرکار می‌رساند.	/leberlari/	لِبرلاری

اصیل انگلیسی	معنی کاربردی	تلفظ با تکیه فارسی	واژه
			یا فَسْت‌گیلاس
friendship	نوعی هواپیمای کوچک شرکت نفتی	/ferənšip/ or /frənšib/	فِرَنشِیْب یا فِرَنشِیْب
furniture	اثاث منزل	/fernič'er/	فِرَنیچِر
derived from refrigerator	یخچال	/firij/	فِیریج
flight	پرواز	/felajt/	فِیلايْت
fence	حصار (شبكة) فلزی توری)	/fens/	فَنس
finished	اخراج	/fenešt/	فِینِشْت
foot	متر فلزی	/fut/	فوت
fore man	سرکارگر	/formæn/	فورمَن
fool	تبیق‌زدن، خراب‌کردن	/fol/	فول
fitter	لوله‌کش	/fiter/ or /fitær/	فِیْتِر یا (م) فِیْتِر
?	زنگ‌ناهار یا شروع به کار	/fitus/ or /feydos/	فِیتوس یا فِیْدَس
face	صورت، ریخت	/feys/	فِیْس
fuse	فیوز، سیم اتصال برق	/fiyuz/	فیوز
?	لوله‌گرد توخالی وسيله‌ای که برای پُخت ملایم زیر قابلمه می‌گذارند	/kaler/	کالِر
concrete	سیمان فشرده	/kankelit/ or /kænkilit/	کانکلیت یا کَنکلیت
cup	فنجان	/kop/	کُپ
شاید از ترکیب kettle و کتری	کتری	/ketr/	کِتر
crane	نوعی جرثقیل	/keren/ or /kerend/	کِرَن یا کِرَنْد
clip or climp	گیره یا بست فلزی برای شینلنگ و امثال آن	/keləms/ /kalams/	کَلِمَس کَلَمَس

واژه	تلفظ با تکیه فارسی	معنی کاربردی	اصل انگلیسی
	لیو لَند	/leɪlənd/	خارج از ناحیه
نِرس	/ners/	پرستار	nurse
نِرسینگ	/nersiŋ/	دوره پرستاری	nursing
	نِرس هاستِل	/ners hastel/	مهمان‌سرای پرستارها
وارنینگ	/varniŋ/	اخطار، هشدار	warning
واشِر	/vaʃer/	واشِر	washer
والف	/valf/	شیر آب	valve
وایِر	/vayer/	سیم برقی، شلنگ آب	wire
وُرک‌شاپ	/vorækʃap/	کارگاه مرکزی یا کارگاه‌گاری	work shop
وِلد	veld/	جوشکاری کردن	weld
وِلدینگ	veldinŋ/	جوشکاری	welding
ویِتر	veyter/	پیشخدمت رستوران، گارسون	waiter
هَلدِر	/holder/	سریچ لامپ	holder
هَدْمَن	/hedmæn/	سراستادکار	head man
هِدْزِرس	/hedners/	سرپرستار	headnurse
هُسپیتال	/hospital/	بیمارستان	hospital
هیِتر	/hiter/	بخاری برقی	heater

واژه	تلفظ با تکیه فارسی	معنی کاربردی	اصل انگلیسی
لَمبَرْدَه	/ləmbærdæ/	نام محله [شماره ۱۰]	number+ ۱۰
لِیت یا	/leyt/	چراغ قوه	light (flashlight)
لیک	/lik/	چراغ لیت، نشت کردن، آب پس دادن	leak
لیموناد	/limunad/	نوعی شربت یا لیموناد	lemonade or /limunad/
لین	/leyn/	کوچه، صف، ردیف	line
مَترون	/matron/	پرستار عالی رتبه	matron
مِدیکال	/medical/	مورد پزشکی در قیاس با دیوتی یا پلیئر	medical
مَش	/mæʃ/	خدمت نظام	marsh
مَکینه	/mæckine/	نوعی ماشین احتمالاً	machine
مِین آفیس	/meynafis/	اداره مرکزی شرکت نفت، ساختمان مرکزی	main office or /menafis/
مِیْن لَین	/meynlæyn/	اتوبیل مسافرت یا	main line or

### افعال فارسی شده

افعال زیر یا از ترکیب افعال اصلی انگلیسی با یک یا چند فعل کمکی فارسی ساخته می‌شوند یا، از طریق ترجمه افعال انگلیسی، به این صورت در سه شهر جنوبی مورد تحقیق به کار می‌روند.

فعل	تلفظ با تکیه فارسی	معنی	واژه قرض گرفته شده	مثال
اُرد دادن	/ʔord.d/	دستور دادن	to order	لازم نکرده ایقد اُرد بدی. چقدر اُرد می‌ده.
آف کردن (شدن)	/ʔaf.k/	خاموش کردن	to off	امروز باید یخچال آف کُثم (خاموش و تمیز کنم).
باز و بسته کردن		ترجمه تحت‌اللفظی: «خاموش و روشن کردن»	turn on turn off	چراغ بند بیا بخواب
بُنْت کردن (شدن)	/bent.k/	خمیده کردن (شدن)	to bent	از بس کار کردم کمرم بنت شد.

مثال	واژه قرض گرفته شده	معنی	تلفظ با تکیه فارسی	فعل
بوکم کردن برای فردا بزم آبادان.	to book	ذخیره کردن اتوبوس یا هر وسیله نقلیه شرکتی	/buk.k/	بوک کردن (شدن)
ماشینه بوش کن بعد هولش بده.	?	آزاد کردن دنده	/boš.k/	بوش کردن
خیلی تیپ کردی. چه خیره!	type(?)	شیک کردن	/tip.k/	تیپ کردن (زدن)
خیلی تو تپیه (خیلی قیافه می‌گیره).				
ایقدا پلتیک نزن خودم می‌دونم کجا بودی.	politics	کلک زدن، یه‌دستی زدن	/poletik.z/	پلتیک زدن
ای دیگه سیلاک شده، به درد نمی‌خوره.	to slack	هرز شدن پیچ	/selak.š/	سیلاک شدن
لوله حمام لیک می‌کنه.	to leak	چکه کردن، نشت کردن	/lik.k/	لیک کردن
حسابی درس کرده بود، اومه بود مهمانی.	to dress	لباس شیک پوشیدن	/deres.k/	درس کردن
بابا طرف خیلی شوت بود.	to shoot (?)	هالو و گیج بودن	/šut.b/	شوت بودن
چرا امروز ایقدا فول می‌کنی؟	foul	اشتباه کردن، تپق زدن	/fol.k/	فول کردن

### محله‌ها

در هریک از سه شهر مذکور، محله‌هایی که نسبتاً قدیمی محسوب می‌شوند، دارای اسامی انگلیسی‌اند که از دوران تسلط و شکوفایی شرکت نفت و انگلیس‌ها بازمانده است. همان‌طور که در زیر می‌بینیم، در مسجد سلیمان، چون دارای سابقه برخورد و مراوده بیشتری با انگلیسی‌هاست، شمار این محله‌ها بیشتر است و، پس از آن، آبادان و، در آخر، اهواز قرار می‌گیرد.

مسجد سلیمان		آبادان		اهواز	
اصل انگلیسی	تلفظ فارسی شده	اصل انگلیسی	تلفظ فارسی شده	اصل انگلیسی	تلفظ فارسی شده
F3 Hostel	اِف‌تری هاستل /efterihostel/	?	بِریم /bereym/	station	اِسْتِیشِن /esteyšən/
F.R.M.B. <sup>۲</sup>	اَفَرَمبی /æfræmbi/	?	بُواردِه /bovarde/	Camplow	کَمپلو /kæmpolo/
M.I.S. <sup>۳</sup>	اِم.آی.اس.	Six Lane	سِکس لَین /siksleyn/	Quarter	کُوَاتِر /kovater/
5 Bungalow	پَنج‌بَنگله /pænj bængele/	Show-type	شُو‌تِیپ (کشتارگاه) /šoteyp/	New Site	نیو سَایت / نیوساید /niyosayd/
Gatch-Plant	جَچی‌پی (کارخانه گچ) /jipi/	Coffee Shop	کُفِیشِه /kofeyše/		
G-Type	جی تِیپ /jiteyp/	Cooler Shop	کولِر شاپ		
Railway	رَیل‌وِوِیل /reyloveyl/				
C-Branch	سی پرنج /siberenj/				
Camp Cressent	کَمپ‌کِرِسن /kæmpkeresen/				
camp+lab	کَمه آب /kæmelæb/				



مسجد سلیمان		آبادان		اهواز	
اصل انگلیسی	تلفظ فارسی شده	اصل انگلیسی	تلفظ فارسی شده	اصل انگلیسی	تلفظ فارسی شده
Cooler-shop number- ۱۰ Water Wait Western Hostel	کولر شاپ لمبرده واتر ویت /water veyt/ وستن هاستل /vestenhostel/				



درباره مندرجات مقاله «واژه‌های قرضی: بررسی زبانی-اجتماعی در سه شهر اهواز، آبادان و مسجد سلیمان»، آقای کریم امامی، منتقد و مترجم مشهور، طی یادداشتی، ملاحظاتی ارائه و تصحیحاتی پیشنهاد فرموده‌اند که با تشکر از حسن توجه ایشان عیناً از لحاظ خوانندگان می‌گذرد.

- در مورد واژه «آف»، اصل انگلیسی آن به نظرم بهتر است off-duty و off باشد.
- «اسکراپ»: اصل انگلیسی علاوه بر scrape می‌تواند scrub هم باشد.
- «اکسچنج»: اصل انگلیسی آن بهتر است telephone exchange باشد.
- «الوکیت‌کار»: شکل درست‌تر اصل انگلیسی allocated car است.
- «ام. پی.»: اصل آن بهتر است M.P. یا Military Police باشد.
- «بایروم»: شکل درست‌تر اصل آن boy's room است.
- «بریم» و «باورده» که نام دو محله مرغوب‌تر شهر آبادان است به نظر می‌رسد که واژه‌های دخیل نباشند، بلکه نام اصلی دو آبادی محلی است که بعداً توسط شرکت نفت در آن‌جا شهرسازی شده است. نگاه کنید به دایرة المعارف مصاحب، ذیل «آبادان».
- «بک پی»: معنی اصلی آن «حقوق عقب‌افتاده» است.
- «بنگله»: معنی آن «ساختمان ویلایی» است.
- «بوش»: بنده نمی‌دانم اصل آن چیست. اگر bush می‌نویسیم با قید علامت سؤال باشد.

- در مورد «پیشتو» که اصل آن پیشتاب است و در فرهنگ معین هم آمده، بنده نمی‌دانم اصل آن حقیقتاً pistol یا pistolet باشد. اگر هم باشد باید از مسیری غیر از شرکت نفت وارد زبان فارسی شده باشد.

- در مورد «تمبر»، که از اصل فرانسه وارد فارسی همه‌جای ایران شده، بنده فکر

می‌کنم بهتر است از این فهرست حذف شود.

– اصل «تیل» به معنی «تیر چراغ برق» نه tail است و نه tile. معادل رایج lamp post است. شاید «تیل» تحریف «تیر» باشد.

– اصل «چیتی» chitty است.

– «ربل»: اصل انگلیسی آن نام تجارتي نیست بلکه کوتاه‌شده rubber-soled shoes است.

– «رُل» به معنی «فرمان اتومبیل» هم از role انگلیسی نیامده (انگلیسی درست آن: steering wheel) و احتمالاً از rôle فرانسه آمده است. بنابراین، از این فهرست بهتر است حذف شود.

– «رن» به معنی فرم کامپیوتری حتماً از ram نیامده.

– اصل «سلنج» نیاز به تحقیق دارد. در تمام جنوب به معنی جرثقیل در زبان عامیانه شنیده می‌شود. احتمالاً از هند آمده.

– اصل «سپرتاس» حتماً supper tass نیست. هرچند که tass به معنی ظرف نقره‌ای کوچک آمده.

– «سلوتیپ» اگر از sealing tape آمده یک مأخذ دیگر برای آن sellotape است.

– «ستراستور» برای «فروشگاه مرکزی». اولاً اصل انگلیسی بهتر است central store داده شود. ثانیاً در این مورد و موارد مشابه بهتر است واژه با املاي انگلیسی بریتانیایی داده شود و نه املاي امریکایی.

– «ستتر بولت»: اصل انگلیسی آن با املاي بریتانیایی centre-bolt است.

– «شارت»: اصل انگلیسی آن short-circuit است. (ملاحظه می‌کنید که وام‌واژه‌های

دوواحدی معمولاً یک واحد خود را در نقل و انتقال از دست می‌دهند.)

– «شیت»: به معنی سوت کارخانه. اصل آن هرچه باشد shout و shoot نیست.

– «شیفت اسفانه»: تحریف shifting spanner است نه shift spanner.

– «فرنشیب»: نام یک مدل از هواپیماهای دوموتوره ساخت شرکت Fokker. بنابراین

Fokker Friendship.

– اصل «فریج» بهتر است fridge داده شود که عیناً به همین شکل در انگلیسی کاربرد

وسیع دارد و نه لزوماً refrigerator.

- «فول» به معنی «خراب کردن». اصل آن بهتر است foul داده شود نه fool.
- «فیدوس» نیاز به تحقیق دارد. ممکن است از عربی وارد فارسی خوزستان شده باشد. قیافه‌اش هم یونانی است.
- «کالر» هم نیاز به تحقیق دارد.
- «کتر» همان «کتری» است که از kettle یا tea-kettle وارد فارسی شده.
- فکر می‌کنم اصل «کلمس» clamp باشد نه climp و نه clip.
- «کولی» معادل coolie است که خودش از گویش‌های هندی وارد انگلیسی شده.
- «گت پاس»: اصل درست آن gate pass است نه get pass.
- «گچ پلند» تحریف gatch plant است. gatch هم به انگلیسی راه یافته.
- «لاندری»: املای درست اصل آن laundry است.
- «لیبر آفیس»: بهتر است اصل آن با املای بریتانیایی داده شود: Labour Office.
- ایضاً «لیبر لاری»: بهتر است به صورت labour lorry داده شود هرچند که ترکیب labourers' lorry? مشکوکی است.
- «لین»: اصل آن می‌تواند هم lane و هم line باشد.
- «مش» به معنی «خدمت نظام» هم نیاز به تحقیق دارد. اصل آن حتماً marsh نیست.
- اصل «مکینه» عربی است و خود آن هم مأخوذ از machine متنها به شکل ایتالیایی یا اسپانیایی آن.
- «مین لین» نیاز به تحقیق دارد. «لی‌لند» کارخانه معروف Leyland است که تانکرهای نفتکش آن سال‌ها در خدمت شرکت نفت بود. در این مورد نمی‌دانم main line درست است یا نه. شاید mail van.
- در جدول دوم (افعال مرکب) ترکیب «شوت بودن» به معنی از مرحله پرت بودن (← نجفی، فرهنگ عامیانه)، نمی‌دانم می‌شود آن را به to shoot ربط داد یا نه. نیاز به تحقیق دارد.
- هم‌چنین «بنت کردن». برای اصل آن نمی‌توانیم بگوییم to bent و طبعاً باید بگوییم to bend.
- در جدول سوم «کمپ کرسن» حتماً Camp Crescent بوده است.
- و سرانجام «واتر ویت» هم نمی‌دانم Water Wait بوده است یا چیز دیگر. Water Wait درست به نظر نمی‌آید.
-